

سخنرانی مهندس سید محمدعلی افشانی

استاندار فارس

بسم الله الرحمن الرحيم

درود می‌فرستم به روان پاک شهدا و یاد و خاطره‌ی جان‌باختگان منا را گرامی می‌داریم. حمد و سپاس خدای را که ما را توفیق داد تا در جوار آرامگاه حافظ شیراز گرد هم آییم و در محضر شما بزرگواران میثاق عاشقانه‌ی خود را با خواجه‌ی اهل راز تجدید کنیم. مقدم مهمانان گرامی به‌ویژه جناب آقای دکتر علی جنتی، وزیر فرهیخته‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاون محترم سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و همه‌ی حافظ‌پژوهان و حافظ‌دوستان عزیز را گرامی می‌دارم و به همه‌ی شما خوش آمد عرض می‌کنم.

تمامی کسانی که در دل و جان خویش سودای عشق پرورده‌اند، حافظ را به‌عنوان شاعر ملی ایرانیان به‌خوبی می‌شناسند. شاعر بلندآوازه‌ای که مرز شرق و غرب را درنور دیده و در دل و جان همگان منزل نموده است. حافظ شاعر بی‌همتایی است که جایگاهش قله‌ی رفیع اندیشه و هنر انسانی است و عظمتش چنان جهان‌گستر گردیده که کسانی به ترجمه‌ی آثارش دست یازیده‌اند و برآند تا بتوانند معانی و معالی کلام و بیانش را دریابند. بسیاری از بزرگان ادب و اندیشه‌ی جهان با اشعار حافظ انس یافته و حرف او را ستایش کرده‌اند و بدین‌سان حافظ شاعر همه‌ی عصرها و زمان‌ها و مکان‌ها شده است.

شاید دلیل اصلی ماندگاری حافظ در فرهنگ ایرانی - اسلامی ما، هنری است که وی در آمیزش دو فرهنگ پرمایه‌ی ایرانی و اسلامی به‌کار بسته است؛ آمیزش سحرانگیز فرهنگ ایرانی و فرهنگ قرآنی اسلام. حافظ به‌شاعر ملی ایرانیان بدل شده است، چرا که ایرانیان در آئینه‌ی شعر او تاریخ، فرهنگ، دین، سجایا، خوبی‌ها، بدی‌ها، زشتی‌ها و زیبایی‌هایی را می‌بینند که با آن‌ها مأنوسند. روح معتدل ایرانی دوستی، مهر، مروت و مدارا را تشویق می‌کند و قشری‌گری و ریا و زهد دروغین را نفی می‌نماید. شعر حافظ به‌راستی آئینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ ایران‌زمین است. اندیشه‌ی حافظ آمیزه‌ای از آموزه‌های قرآن، مبانی عرفان، فرهنگ ایرانی و نگاه انسانی است و به‌همین دلیل حافظ نماد فرهنگ این

سرزمین است. فرزانه‌ای است با اندیشه‌های عمیق عرفانی و عواطف ژرف انسانی. حافظ مظهر روح اعتدال و اعتدال روح اقوام ایرانی است. حافظ ژرف‌اندیش و رازبین است. هفت قرن است که به این مردم شادی، امید، عشق، دوستی و محبت هدیه کرده است. مردمی که به دیوان حافظ روی می‌آورند دیگر از آن روی برنمی‌تابند و در همان خواندن‌های نخستین، شعر حافظ را پسند خاطر خود و گویای رازهای ناگفته و آرزوهای نهفته‌ی خود می‌بینند. در آرمان‌شهرش آزار خلق چنان گناه بزرگی است که جز آن گناهی نمی‌بیند.

مباش در پی آزار و هرچه خواهی کن
که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست

حافظ پیوندی ناگسستنی با قرآن دارد و همه‌ی داشته‌های خود را از قرآن می‌داند:

صبح‌خیزی و سلامت‌طلبی چون حافظ
هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

عشق به خداوندگار با شعر و زندگی‌اش عجین گشته و توکل را با تمام وجود باور دارد:

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است
راهر و گر صد هنر دارد توکل بایدش

علاوه بر وجوه معنوی در شعر حافظ، وجه اجتماعی هم در اشعار گوناگونش بازتاب یافته است. این بیت حافظ را می‌توان مبنای زیست مسالمت‌آمیز و آرام بشری دانست:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

همین یک بیت حافظ برای اینکه ما بدانیم چگونه باید زندگی کنیم، چگونه باید با هم ارتباط برقرار بکنیم، کافی است. ای کاش بر دری دیگر از سازمان ملل این بیت هم نوشته شود:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است
با دوستان مروت با دشمنان مدارا

در طول این چند قرن تا امروز هیچ شاعری به‌قدر حافظ در اعماق و ظواهر ذهن و دل ملت ایران نفوذ نکرده است. او شاعر تمامی قرن‌ها و همه‌ی قشرها است. از عرفای مجذوب جلوه‌های الهی و ادیبان و شاعران خوش‌ذوق تا مردم معمولی هر کدام در شعر حافظ سخن خود را یافته‌اند.

پایان سختم از حافظیه‌ی شیراز است. در این شب دل‌انگیز و در روزگار دولت تدبیر و امید، امیدمان به تدبیر بزرگان و وزیران دولت است تا بتوانیم در کنار هم با اجرای طرح

ملی توسعه‌ی حافظیه، آن را به بزرگ‌ترین مجموعه‌ی فرهنگی و ادبی و گردشگری در کشور تبدیل کنیم تا افتخاری باشد برای دولت و زینتی برای شهر شیراز و فرهنگ ایران اسلامی.

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

والسلام علیکم ورحمه الله